

اثرات جهانی شدن در ارزشها و کارکردهای خانواده

یکی از پدیده های دنیای کنونی جهانی شدن است که بر حوزه های مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی از جمله کانون مهم و بنیادین خانواده و کارکردهای تربیتی آن تأثیرات اساسی می گذارد.

خبرگزاری مهر- یکی از پدیده های دنیای کنونی "جهانی شدن" است که بر حوزه های مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی از جمله کانون مهم و بنیادین خانواده و کارکردهای تربیتی آن تأثیرات اساسی می گذارد. به روز بودن والدین و آشنایی آنها با مسئله ی تفاوت نسل ها و تغییرات ناشی از گذر زمان در فرآیند تربیت، از مهمترین عوامل موفقیت در تربیت است که متأسفانه ما امروز این خلاء را آشکارا در کانون های تربیتی به ویژه خانواده ها احساس می کنیم. پرهیز از اصرار بر آداب و شیوه های تربیتی نادرست کهنه، نکته ای است که هم از سوی پیشوایان دینی و هم از سوی دانشمندان علوم روانشناسی و تعلیم و تربیت، مورد تأکید قرار گرفته است.

در این ارتباط بحث اصلی این است که محیط های تربیتی ما تا چه اندازه با نیازهای فطری و ذوقی فرزندان ما هم سنخ و همراه است و بچه های ما تا چه اندازه فرصت بیان احساسات، بروز انگیزه ها و نیازهای عاطفی خود را دارند. متأسفانه کمتر به این تراژدی بزرگ پرداخته شده که اغلب اختلالات رفتاری، انحرافات اخلاقی، ناسازگاری های اجتماعی و ناهنجاری های روانی عاطفی بچه ها، زائیده ی روش ها و نگرش های نادرست موجود است.

مقوله ی فرهنگ و جامعه، مقولاتی هستند که نمی توان آنها را از یکدیگر جدا کرد. فرهنگ به مثابه شریانی است که در پیکره ی اجتماعی جریان دارد و جامعه کالبدی است که فرهنگ را در درون خود جای داده است. بدون فرهنگ، حیات اجتماع متصور نیست و بدون ملاحظه ی جامعه، سخن گفتن از مقوله فرهنگ چیزی به جز یک بازی خیال پردازانه نیست. هر دو مقوله ی فرهنگ و جامعه، مقولاتی پیچیده هستند. جامعه شامل گروهها، قشرها و طبقات مختلف اجتماعی است که در عین کثرت و تنوع در قالب ساختار اجتماع، نظم و انسجام یافته است و فرهنگ هم به لحاظ نوع و قلمرو، از کثرت و فراوانی برخوردار است.

قلمرو فرهنگ به لحاظ اجزا و عناصر تشکیل دهنده، مشتمل بر نظام ارزش ها، باورها، اعتقادات و نظام هنجارها، دارای قوانین، سنت ها و عرف و عادات متنوع است. تغییرات فرهنگی و انتقال فرهنگ از جمله موضوعاتی است که در دهه ی گذشته، مورد توجه مسئولان، برنامه ریزان و مجریان و اندیشمندان عرصه ی فرهنگ و اجتماع قرار گرفته است. با توجه به این نکات مطرح شده می توان گفت مقوله ی فرهنگ و تغییرات مربوط به آن در جامعه نقش محوری دارد.

حوزه فرهنگ در دوره های مختلف از نظر ساخت و کارکرد با نوساناتی مواجه بوده است. کارکرد نهادهایی چون خانواده، آموزش و پرورش، رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی سنتی مدرن در زمینه ی انتقال آموزش ها و هنجارهای مطلوب همواره مورد بررسی قرار گرفته و حتی موجب نگرانی مسئولان حوزه ی فرهنگی و اجتماعی به لحاظ برخی از قشرهای جامعه به ویژه جوانان بوده است.

همچنین ناکارایی انتقال فرهنگ از برخی نهادهای فرهنگی، در قالب مفاهیمی همچون انقطاع فرهنگی، شکاف نسل ها، بی توجهی و هتک حرمت ارزش ها مطرح شده است و آنچه در این میان از همه نگران کننده تر است پدید آمدن و شکل گیری تباین و دوگانگی میان فرهنگ رسمی و غیر رسمی جامعه است.

بدیهی است اگر به هر دلیل در روابط فرزندان به ویژه جوانان و نوجوانان و والدین شاهد این تباین و دوگانگی باشیم، جلوه های رفتاری حاصل از این دوگانگی فرهنگی که خود را در قالب دورویی، نفاق، چاپلوسی، تملق، رفتارهای دوگانه و غیره ظاهر خواهد ساخت و زمینه های تربیتی ناخوشایندی را فراهم می سازد که موثرترین و نافذترین ابزارها و شیوه های تربیتی نیز در مواجهه با آنها کارایی خود را از دست خواهند داد.

اثرات جهانی شدن

در ظاهر به نظر می رسد جهانی شدن به طور کامل یک پدیده ی منفی نیست، بلکه بستگی دارد به این که از کدام زاویه مورد بررسی قرار گیرد. با نگاه اقتصادی و تولید و کار در سطح چند ملیتی، جهانی شدن را می توان متفاوت و مثبت ملاحظه کرد.

واقعیت این است که فرد فرد اعضای جوامع و فرهنگ ها از جهانی شدن تأثیر می پذیرند. نخست آنها جذب مسایل و ایده های نو خانواده می شوند، لیکن در این فرآیند ارزش های خانواده به تدریج و با ظرافتی خاص دگرگون می شود. پیوند های خانوادگی روز به

روز کمتر و گسیخته تر می شود و خانواده از اصالت و ریشه های اصلی خود دور می ماند و ارزش های متفاوتی بر مبنای ریشه های جدید رشد می کند. ماهیت این ارزش های جدید اغلب با ارزش های قدیم در تضاد و تعارض است و رشد و تکامل درونی این ارزش ها کم رنگ تر خواهد شد.

ابعاد منفی جهانی شدن در خانواده

براساس پدیده ی جهانی شدن، تا حد زیادی ثروت مادی و مصرف گرایی، محور و کانون زندگی و تمامیت خانواده می گردد. والدین ارزش های خود را در فرآیند جهانی شدن بیشتر از الگوهای بیرونی می گیرند تا از درون رشد و تکامل یابند. والدین به جای آن که احساس واقعی خود را که از عواطف و از درون قلب پدرانه و مادرانه ی آنان نشئت می گیرد، ابراز کنند اغلب آنچه را رسانه دیکته می کنند بازگو خواهند کرد.

خانواده ملی به تدریج هویت و اصالت خود را از دست می دهند، برگزاری مراسم خانوادگی و فرهنگی جوامع، ظاهر سنتی خود را از دست می دهد و شکل و فرم استاندارد های غربی را به خود می گیرد. فلذا تجربه جهانی شدن پیوسته در فرهنگ ها با نگرانی و اضطراب همراه است.